

تحدی و اثبات معجزه بودن قرآن کریم

علی حسین احتشامی^۱، حامد فتحعلیانی^۲، بتول حسینی^۳

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تویسرکان، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی ملایر، همدان، ایران

^۳ دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد واحد همدان، همدان، ایران

چکیده

بحث اعجاز و تحدی یکی از مباحث مهم علوم قرآنی و علم تفسیر در بین علوم انسانی و اسلامی محسوب می شود که از دیرباز مورد توجه محققان قرار گرفته است. در این تحقیق سعی شده که از زاویه ای دیگر به علم اعجاز و تحدی پرداخته شود و قصد داریم که نسبت بین این دو را تبیین نمائیم. تحدی یکی از دلایل اثبات اعجاز قرآن به شمار می رود و اگر بخواهیم اعجاز را تعریف کنیم یک قسمت از تعریف اعجاز را تحدی به خودش اختصاص می دهد. از آنجایی که معجزه با حوادث اجتماعی روز هر پیامبری مناسبت داشته لذا می توان گفت که مساله فصاحت و بلاغت نیز در زمان پیامبر (ص) نمود ویژه ای داشته لذا باید گفت که تحدی در ابتدا مختص به فصاحت و بلاغت قرآن بوده و مؤید مطلب ما روایتی است که از ابن سکیت و او از امام رضا (ع) سئوالی در این باره اشاره کرده است. مساله مثلثیت در آیات تحدی بیانگر معجزه بودن قرآن از جهات دیگر است از جمله اعجاز نفسی، علمی، تشریحی و... که با شکل گرفتن و توسعه روزافزون قوانین اسلام، این جهات متعدد نیز در طول حیات پیامبر(ص) نمایان شد.

واژه‌های کلیدی: اعجاز، تحدی، فصاحت، بلاغت، مثلثیت قرآن، اعجاز تشریحی، حدود تحدی.

مقدمه

سالهای زیادی بر قوم عرب گذشت که هنوز دعوت به رسالت و انذار و استدلال به اعجاز این کتاب الهی ادامه داشت اما آنان با وجود وقتی که از عاقبت دعوت قرآن داشتند بیمی که از پیشرفت آن در دل‌هایشان بود و با دل‌بستگی شدیدی که به عادات و رسوم بت پرستی و نیز علاقه به ریاست و مقام و ثروت خویش داشتند با این حال نتوانستند حتی با آوردن یک سوره همچون قرآن ابراز کنند و به مبارزه با قرآن برخیزند و دلیل برهان رسالت را ابطال و خود را از رنج آن نجات دهند در حالی که رسالت پیامبر (ص) در نزول قرآن کریم جمع بت پرستان را پراکنده و ریاستشان را تهدید می کرد و زندگی بر پایه امیال آنها را به خطر می انداخت و عواطفشان را جریحه دار نمود اما با این همه نمی توانستند و نتوانستند که در مقابل آن حتی سوره ای بیاورند. پس اکنون چرا آنان در طول ده سال و بیشتر به کمک یکدیگر نتوانستند به مبارزه طلبی و تحدی قرآن پاسخ مثبت داده و به مبارزه برخیزند و سوره ای مانند قرآن بیاورند تا به پیامبر فخر بفروشند و در مراسم و محافل خود حجت و برهان علیه او داشته باشند و از رنج روحی نجات یافته و غبار ذلت و مغلوبیت را از خود بزادیند؟ چرا این کار را نکردند؟ با اینکه قرآن و پیامبر (ص) آنان را به این کار دعوت کرده بود تا عجزشان را نشان دهد و این دعوت او در حالی بود که اعراب قومی بودند که سرچشمه اصلی ادبیات عرب بودند، فصاحت و بلاغت غریزی داشتند و پایه های اصلی این کتاب آسمانی در مفردات و لغات و از کلمات خودشان بود و اسلوب و روش آن نیز از نوع صنعت و فن آنان به شمار می رفت.

آوردن حتی سوره ای همچون قرآن اصلاً و ابداً در تاریخ اتفاق نیافتاده است چون در غیر این صورت گمراهان و معاندان آن را علم کرده بودند و به خاطر آن غوغا و جنجال به راه می انداختند. علاوه بر این منافقان بسیاری که تمامی قدرتشان مصروف انهدام اسلام و فکرشان از بین بردن قرآن بود در تدارک این کار بودند.

مطالب آورده شده در جهت اثبات اعجاز قرآن، برای عرب بود که در فصاحت و بلاغت سرآمد عصر خود بودند ولیکن معجزه بودن این کتاب آسمانی به قوم عرب منحصر نمی شود بلکه از جنبه های گوناگون دیگر برای عموم افراد بشر خارق العاده است که اگر به آن جنبه ها آگاهی یابند بدان گواهی خواهند داد.

بدون شک معجزه برای پیامبران بویژه اوالعزم یک وسیله اثباتی به شمار می رود تا سند نبوت و شاهد صدق دعوت آنان قرار گیرد و گواه آن باشد که از جهان غیب پیام آورده است. لذا معجزه ای که بدست آنان انجام گیرد باید نشانه ای از ماوراء الطبیعه باشد یعنی کاری انجام گیرد که طبیعت این جهان از عهده ان عاجز باشد، بدین سبب آنرا « خارق العاده » توصیف می کنند.

اکنون این سؤال پیش می آید که معجزه یک ضرورت تبلیغی است یا ضرورت دفاعی؟

یعنی پیامبران دعوت خود را از همان روز نخست با معجزه آغاز می کنند یا موقعی که با شیوه های منکرین روبرو می شوند معجزه ارائه می دهند؟ سیره پیامبران و صراحت قرآن بر امر دوم دلالت دارد. هیچ پیامبری دعوت خود را با معجزه آغاز نکرده است ولی هنگامی که منکران درخواست معجزه کرده اند باید بدون درخواست و صرفاً برای دفع شبهات آنان معجزه آورده است. دعوت انبیاء عین صراحت حق است که با فطرت اصیل انسان دم ساز و یا عقل سلیم هماهنگ می باشد. « بالحق انزلناه و بالحق نزل » از این روی در جای جای آیات قرآن تصریح شده که صاحب نظران بی درنگ دعوت حق را می پذیرند و به ندای حق لبیک می گویند تنها کسانی که حق را مصالح موهوم خویش سازگار نمی بینند آن را نمی پذیرند اگر چه در دل به حق بودن آن اذعان دارند.

در قرآن آنجا که از تحدی و اعجاز سخن به میان آمده با جمله « و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسوره من مثله » آغاز می شود. همچنین آیات دیگر که حالت شک و تردید یا به عبارت روشن تر حالت تشکیک مشرکان و منافقان و مقابله کنندگان با قرآن و اسلام را در نظر می گیرد.

تنها کسانی که از پیامبر اسلام و دیگر پیامبران درخواست معجزه می کرده اند که خواهان ایجاد شبهه و حالت تردید در درون مردم بوده اند : « قال الذین لا یرجون لقاءنا انت بقرآن غیر هذا أو بدله ». یونس / ۱۵.

در جای دیگر فرموده است « و قالوا لن نؤمن لك حتى تفجرنا من الارض ينبوعاً او تكون لك حبه من نخيل و عنب فتفجر الانهار خلالها تفجيراً او تسقط السماء كما زعمت علينا كسفاً او تاتي باله و الملائكه قبيلاً او يكون لك بيت من زخرف او ترقى من السماء و لن نؤمن تريك حتى تنزل علينا كتاباً كفروه قل سبحان ربى هل كنت الا بشراً رسولاً » اسراء ۹۳-۹۰. نتیجه اینکه بطور عموم تقاضای معجزه از جانب کسانی مطرح می شود که حالت انکار داشته اند.

اهمیت و جایگاه موضوع

مسئله اعجاز و تحدی از مسائل مهم علوم قرآنی و تفسیر بوده اما می تواند در بحث کلام اسلامی و مسأله نبوت خاصه یکی از مباحث اعتقادی و کلامی را به خود اختصاص دهد و لازم است که جایگاه این دو مقوله با توجه به علوم قرآنی و علوم اسلامی چون کلام شناخته و تبیین شود.

از طرف دیگر در بحث تحدی، کسانی که خواسته اند در تاریخ اسلام به نوعی با آیات و سوره های قرآن معارضه کنند و نیز جریانات و داستانهایی که در این خصوص در کتب تاریخ اسلام مطرح شده است اهمیت بحث را بیشتر نمایان می کند و اینکه در زمینه مسائل تاریخ اسلام نیز می توان به این مسأله پرداخت.

سیر تاریخی بحث

با بررسی های به عمل آمده در موضوع تحدی و سیر مطالعات تاریخی در این باره، به این نتیجه رسیدیم که بحث « تحدی » قبل از نزول قرآن و ورود اسلام بیشتر در بین اعراب بدوی مخصوصاً در بین ادباء و شعرای جاهلی سابقه داشته است و این مسئله مختص به زمان پیامبر (ص) فقط نمی باشد.

همانطور که قبلاً اشاره شد مسئله فصاحت و بلاغت یک امر سابقه داری بوده است که اعراب جاهلی از این فن به خوبی برخوردار بوده اند و حتی آنطور که در کتابهای تاریخ اشاره شده است در حد اعلاى خود رسیده بود.

قبل از اسلام شعرا و خطباء در بازارهایی که هم محل داد و ستد بود و هم محل مبادلات شعر و خطبه های شعرا و خطباء که از جمله این بازارها می توان به بازار عکاظ اشاره کرد که اعراب در آن؛ مسابقات شعری خود را بر پا می کردند و از یکدیگر در این باره مبارزه طلبی می کردند و شعرهای خود را تحت عنوان « معلقات سبع » با آب طلا نوشته بر دیوار کعبه آویزان می کردند.

تمیم بن مقبل از شعرای پیشین عرب این گونه بیان می کند: « اذا مت عن ذکر القوا فی فلن تری لها قائلاً بعدی اطیب و اشعر » اگر از گفتن اشعار و قافیه ها بمیرم بعد از من کسی نیست و پاکیزه تر از من نیست که شعر بگوید و در شاعری از من استادتر باشد.

« نابغه ذیبانی » داور سروده های عرب در بازار عکاظ بود که سره را از ناسره جدا می کرد. اما شیرینی و زیبایی و روانی « مضمون بلند و عمق محتوا و شیوه بیان و نظم با شکوه قرآن خارج از جهان شعر و شاعری بود. آن چنان که دوست و دشمن را به کرنش در برابر خود وا می داشت. چنان که برخی از صاحبان « معلقات سبع » با نزول برخی از آیات قرآن مجید شبانه اشعار خود را از دیوار کعبه برچیدند و میدان را به فصاحت و بلاغت قرآن سپردند.

مفهوم لغوی و اصطلاحی اعجاز

اعجاز از ریشه عجز (ناتوانی) به معنای ناتوان ساختن می باشد. ناتوان ساختن بر دو گونه است: یکی آنکه توانایی کسی قهراً از وی سلب شود او به عجز درآید مثلاً کسی که دارای قدرت مالی و مقامی دارد آن قدرت و مقام از او به زور گرفته شود تا اینکه به عجز درآید. دیگر اینکه کاری انجام گیرد که دیگران از انجام آن یا هموردی با آن عاجز باشد بدون اینکه درباره آنان هیچ گونه اقدام منفی به عمل آمده باشد.

مثلاً ممکن است کسی در کسب کمالات روحی و معنوی به اندازه ای پیشرفت کند که دست دیگران به او نرسد. اعجاز قرآن از نوع دوم است یعنی در بلاغت و فصاحت و استواری گفتار و رسا بودن بیان، نوآوری های فراوان در زمینه معارف و احکام و دیگر ویژگی ها، آن اندازه اوج گرفته که دور از دسترس بشریت است. ابن خلدون در تعریف معجزه گفته: « افعال يعجز البشر عن مثلها ».

سیوطی می گوید: « المعجزه امرٌ خارق للعاده، مقرون بالتحدي، سالم عن المعارضه، يظهر الله على يد انبياءه ليكون دليلاً على صدق رسالتهم ».

از تعریف یاد شده، روشن می شود که اعجاز دارای این ویژگی هاست:

- ۱- اعجاز یک کار عادی نیست بلکه امری است بر خلاف جریان طبیعی عالم و خارق عادت است.
- ۲- معجزه نشانه نبوت است، افزون بر خرق عادت قابل تعلیم و تعلم نیست و مغلوب عوامل دیگر نمی شود.
- ۳- معجزه باید همراه با تحدی و دعوت به همانند سازی باشد بر خلاف امور خارق العاده دیگر که مقرون به تحدی نمی باشند.

مفهوم لغوی و اصطلاحی تحدی

تحدی در لغت به معنای برابری کردن در کاری و پیش خواندن خصم و غلبه جستن بر آن می باشد. اما امروز تحدی با توجه به آیات مربوطه در قرآن به معنای همآورد خواستن و مبارزه طلبی است همانطور که قرآن کریم از مخالفان و معاندان دعوت به تحدی کرده است و این مسئله چندین بار تکرار شده است.

از متن قرآن کریم به صراحت استفاده می شود که خود را برترین نشان و معجزه پیامبر خاتم می شمارد (عنکبوت ۴۸ - ۵۱) و از مخالفان خویش و همه مردم جهان در طول تاریخ می خواهد که اگر در الهی بودن آن تردید دارید تمام نیروهای فکری و معنوی و مادی خویش را کنار هم بگذارید و با هم همکاری نمایند تا مانند آن را پدید آورند از این حقیقت به « تحدی » یاد می کنند.

آیات تحدی در قرآن و بررسی آنها

- ۱- سوره طور آیه ۳۳- ۳۴ که در ترتیب نزول قرآن، پنجاه و دومین سوره قرآن محسوب می شود که در آن دعوت به آوردن مثل قرآن شده است: « أم يقولون تقوله بل لا يومنون فلأنتوا بحدیثٍ مثله إن كانوا صادقین ».
- ۲- سوره اسراء آیه ۸۸ که هفتاد و دومین سوره قرآن از نظر نزول است که در آن اعلام ناتوانی و عجز انسان و اجنه شده است و اینکه آنها از آوردن چنین قرآنی عاجز می باشند آنجا که می فرماید: « قُل لئن اجتمعت الانس و الجن علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لآیأتون بمثله و لو کان بعضهم لبضٍ ظهیراً ».
- ۳- سوره هود آیه ۱۳، که هفتاد و هفتمین سوره قرآن از نظر نزول می باشد و دعوت شده به آوردن ده سوره مثل قرآن. آنجا که می فرماید: « أم يقولون افتراه قل فآلتوا بعشرٍ سورٍ مثله مفتریات و ادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقین فان لم یستجیبوا لکم فاعلموا انما أنزل بعلم الله ».
- ۴- سوره یونس آیه ۳۸ که هشتاد و چهارمین سوره قرآن از جهت نزول است و دعوت به آوردن سوره ای همانند قرآن شده است آنجا که می فرماید: « أم يقولون افتراه قل فآلتوا بسوره من مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقین ».
- ۵- سوره بقره آیه ۲۳- از نظر نزول هشتاد و هفتمین سوره قرآن است: « و إن کنتم فی ریبٍ مما نزلنا علی عبدنا فآلتوا بسوره من مثله و ادعوا شهداءکم من دون الله ان کنتم صادقین فان لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس و الحجارة اعدت للكافرين ».

نکته ای در باب ترتیب آیات تحدّی

چنانکه پیداست در این آیات تحدّی و همانند خواهی به کل قرآن شده است و گاه به ده سوره و یا یک سوره یا حدیث مانند آن، این گونه گونی تحدّی سبب طرح این پرسش شده که راز این گونه درخواستها و تحدّی چیست؟ آیات تحدّی در مرحله نخست از بشر می خواهد که اگر در خدایی بودن قرآن تردید دارند کتابی همانند قرآن که دارای همه امتیازات آن باشند بیآورند و پس از آن که ناتوانی آنان آشکار شد، تخفیف داده از آنان می خواهد که یک سوره که از هر جهت شبیه به یکی از سوره های قرآن باشد و همه ویژگی های آنرا داشته باشد بیآورند، پس از آنکه از چنین امری نیز عاجز شدند از ایشان می خواهد که ده سوره بسازند که هر یک دارای یکی از جهات اعجاز قرآن باشد یعنی مجموع آن ده سوره بتواند ویژگی های یک سوره را دارا باشد. (قرآن شناسی، محمد تقی مصباح یزدی، ص ۱۲۳-۱۲۱).

حقیقت اعجاز و خواستگاه های آن

قلمرو اعجاز قرآن، مرز جغرافیایی و تاریخ زمانی را در نوردیده، به فراسوی زمین و زمان هیمنه دارد برخلاف معجزات پیامبران پیشین که در مقطع خاص و تنها بر مخاطبان ویژه خود کارگر افتاده است و اگر قرآن نبود، شاید در صحت تاریخی آنها با دیده تردید می نگریستیم.

قرآن کریم از قلمروهای مختلف اعجازی بزرگ است، بر خی از محورهای اعجاز قرآن عبارت است از: الف) فصاحت و بلاغت (ب) هدایت و تربیت بشر (ج) اعجاز در نظم و معانی آن (د) اعجاز در ادب و هنر (ه) مالکیت قرآن بر دیگر کتب آسمانی (و) اعجاز در قانونگذاری (ز) اعجاز در اخبار از غیب (ح) اعجاز از ناحیه انواع دانش

اعراب که دعوت اسلام برای اصلاح انسانها، از میان آنها آغاز شد اطلاعات و معلوماتشان در زبان بومی خودشان خلاصه می شود و از سایر علوم و صنایع که قابل تعلیم و تعلم بود بی خبر بودند لذا سطح عادی علوم و فنون قوانین حاکم بر آنها و همچنین اسراری از طبیعت را که برای استاد و شاگرد و اهل تجربه و اکتشاف ممکن است از طریق تحقیق و آموزش بدست آید از سطح خارق العاده ای که نه تنها بر قدرت و اعجاز الهی امکان پذیر بود تمیز نمی دادند و لذا هر عملی را به جز ادبیات خودشان به محض شنیدن و یا رؤیت سحر می پنداشتند و یا از مهارت ساکنان اقطار دور دست و پیشرفت آنان در علوم و فنون محسوب می داشتند. بنابراین اگر پیامبری برای اثبات راستی ادعای خویش از آن صنایع و علوم استفاده می کرد در معرض شک و تردید اعراب قرار می گرفت بویژه اگر آن علوم و فنون که بر فرض دلیل بر صدق ادعا دعوت پیامبر است، شکننده عادات و رسوم وحشیانه و جاهلانه و از بین برنده گمراهی های آنان باشد.

حقیقت تحدّی و بررسی خواستگاه های آن

درباره اینکه عرب جاهلی چه عواملی موجب می شد که به معارضه با قرآن بپردازد و خواستگاههای آنها چه چیزهایی می توانست باشد در این خصوص انگیزه هایی را آنها برای هموردی داشتند که می توان آنها به صورت انگیزه های سیاسی و ادبی و فرهنگی و گاهی انگیزه های اجتماعی مسئله اشاره کرد.

الف) تحدّی و خواستگاه سیاسی

همانطور که در کتب تاریخ اسلام اشاره شده، با ورود اسلام به سرزمین شبه جزیره، خیلی از سران و رهبران سیاسی آن روز که دارای تشکیلات و حکمرانی خاصی بودند، در نتیجه این ورود موقعیت خود را در معرض خطر دیدند و از هر تلاشی برای مخالفت و معارضه با قرآن و پیامبر کوتاهی نکردند و سعی می کردند به نوعی کارشکنی هایی را با دعوت پیامبر داشته باشند از جمله می توان به ولید بن مغیره مخزومی که سخنوری نیرومند و از سران بلند پایه و سرشناس عرب به شمار می رفت اشاره نمود که درباره قرآن چنین می گوید: «یا عجباً لما یقول ابن ابی کبشه فوالله ما هو شعر و الا بسحر و لا بهذی جنون و ان قوله لمن کلام الله ...»

آنچه فرزند این ابن کبشه می سراید به خدا سوگند نه شعر است و نه سحر و نه گزافه گویی بی خردان، بی گمان گفته او سخن خداست ... «هم او موقعی که از کنار پیامبر می گذشت آیاتی چند از سوره مومن را دز نماز تلاوت می فرمود، شنید - گفت : « والله لقد سمعت من محمد أنفأ کلاماً ما هو من کلام الانس و الجن و الله ان له لحلاوه و ان علیه لطلاوه و ان اعلاه لشعر و ان اسفله لمغدق و انه یعلو و لا یعلی علیه ... » « به خدا سوگند چیزی بیش از محمد سخنی شنیدم که نه به سخن آدمیان می ماند و نه به سخن پریان، به خدا سوگند سخن او شیرینی و زیبایی ویژه ای دارد و همچون درختی برومند و سربرافراشته که بلندای آن پر ثمر و اثر بخش و پایه آن استوار است و ریشه مستحکم و گسترده دارد همانا بر دیگر سخنان برتری خواهد یافت و سخن دیگری بر آن برتری نخواهد شد.

ب) تحدی و خواستگاه ادبی آن

زمانی که قرآن کریم به عنوان ره آورد جدید و به عنوان معجزه قرن به جامعه عرب آن روز معرفی شد اعراب جاهلی و مخصوصاً شعراء و خطباء آن زمان با مشاهده این قرآن و آیاتی از آن انجام مبارزه و معارضه با آن دست کشیدند و عجز و ناتوانی آنها یکی پس از دیگری روز به روز نمایان می شد.

فصاحت و بلاغت اعراب جاهلی را می توان یکی دیگر از مسائل و عوامل دخیل در این هموردی با قرآن دانست به عبارت دیگر چون اعراب خود را نیرومند در این فن می دانستند همواره در صدد بودند تا از حریم علمی و ادبی خود دفاع کنند مخصوصاً زمانی که مواجه شدند با آیاتی از قرآن و از آنها خواست که اگر می توانند با حداقل یک سوره قرآن هموردی کنند. در موقعی که اعراب بدوی و جاهلی مشغول آداب و رسوم قومی و قبیله ای خود بودند، قرآن کریم همچون خورشیدی درخشان در بین آنها طلوع کرد و موجب افول عظمت و شوکت ادبی آنها شد و سعی کردند با استفاده از هر طریق و شگردی شده با قرآن مبارزه کنند. نابغه ذبیانی کسی بود که فی البداهه صدها بیت شعر می گفت و به عنوان شاعری توانمند و داوری بر جسته در آن زمان مطرح بود.

برای نمونه و تأیید گفته های خود یک نمونه از جریانات و داستانهایی را که در تاریخ اتفاق افتاده را ذیلاً اشاره می کنیم که می تواند در این خصوص یعنی انگیزه ادبی و فرهنگی عرب در جهت مبارزه با قرآن، شاهی بر گفته های ما باشد :

هشام بن حکم می گوید : « ابن ابی العوجاء » و « ابوشاکر الدیصانی » و « عبدالملک بصری » و « ابن مقفع » نزد خانه خدا در نشستی که قرآن را مورد طعن و نکوهش قرار می دادند چنین قراری با یکدیگر گذاشتند : ابن ابی العوجاء گفت : بیایید هر یک از ما چهار نفر یک ربع قرآن را شبیه سازی کنیم در این صورت همه قرآن نقض می شود و قرار ما سال آینده همین جا باشد. پس از این قرار از هم جدا شدیم و در سال بعد در همین جا گرد آمدند. ابن ابی العوجاء گفت : از وقتی که از هم جدا شدیم این آیه فکر مرا مشغول کرده است : « فلماً استیاً سوا منه خلصوا نجیاً » (یوسف ، ۸۰)

چون از یوسف درباره آزاد سازی برادرشان (بنیامین) نومید شدند رازگویان از هم کنار کشیدند. وی سپس گفت : من قادر نیستم در برابر فصاحت و گردآوری معانی بلند آن چیزی بیاورم، از این رو از فکر کردن در بقیه آن باز ماندم.

عبدالملک بصری گفت : من از سال گذشته که از هم جدا شدیم تا کنون درباره این آیه می اندیشم : « یا ایها الناس ضرب مثل فاستعموا له ان الذین تدعون من دون الله لن یجعلوا ذبأباً و لوا جتمعتوا له و ان یسلبهم الذباب شئاً لا یتنقدون منه ضعف الطالب و المطلوب » (حج ، ۲۳). معنی آیه : ای مردم مثلی زده شده پس بدان گوش دهید کسانی را که جز خدا می خوانید هرگز حتی مگسی را نمی توانند بیافرینند هر چند برای آفریدن آن اجتماع کنند و اگر مگس که از آنان برآید آنرا نمی توانند باز پس بگیرند، طالب و مطلوب هر دو ناتوانند. عبدالملک گفت من هرگز نمی توانم چنین آیاتی بیاورم.

ابو شاکر دیصانی گفت : من از روزی که از شما جدا شدم تنها در این آیه می اندیشم : « لو کان فیها الهه الا الله لفسدتا (انبیاء،

(۲۲)

اگر در زمین و آسمان خدایی جز خدای واحد وجود داشت، آسمان و زمین تباه می شدند. بنابراین آوردن چنین آیه ای بر من سخت است.

ابن مقفع گفت: دوستان این قرآن از جنس سخن بشر نیست و من از آغاز جدایی از شما در این در این آیه می اندیشیدم: «و قیل یا ارض ابلعی ماءک باسماء اقلعی و غیض السماء و قضی الامر و استوت علی الجودی و قیل بعداً للقوم الظالمین». (هود، ۴۴) معنی آیه: گفته شد ای زمین آب خود را فرو کن و این آسمان بارانت را قطع کن و آب خود کاست و فرمان انجام شد و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و گفته شد دور باد گروه ستم پیشه.

لبید که از شاعران نامی عرب و سراینده ی یکی از قصاید هفتگانه بود وقتی که با قرآن محمد آشنا شد دل سپرده آن شد و دیگر شعر نگفت و پیوسته در حال قرائت قرآن بود. وقتی از او پرسیدند چرا شعر را رها کردی؟ گفت: در مقابل قرآن دیگر نمی توانم شعر بیافرینم اگر سخن این است گفته های ما همه هجو است من آن اندازه از قرآن لذت می جویم که بالاتر از آن را نمی شناسم.

ج) تحدّی و جنبه تربیتی و هدایتی قرآن کریم:

هیچ کتاب تربیتی گرد قرآن نمی رسد، قرآن توانست مردان و زنان عقیف و پارسا و جهادگر، مغزهای متفکر، دستانی تلاشگر، ایثارگرانی از مال و جان گذشته، سلامت روان، رفعت و عطوفت، عدالت، انصاف، انفاق و ... بیافریند و از هیچ تر و خشکی در این زمینه فروگذار نکرده است.

در عصر پیامبر اکرم (ص) ظلمت و جهل و نادانی همه اقطار عالم بویژه شبه جزیره عربستان را فرا گرفته بود و مردم دچار زشتی رفتار شده بودند، از تعلیم و تربیت خبری نبود، انسانها از مسیر انسانی منحرف شده و از اخلاق فاضله اثری باقی نمانده بود.

قرآن کریم در میان چنین ظلمت و تاریکی اخلاق درخشید و مسائلی را بیان کرد که از یک فرد عادی امکان نداشت که آنها را به وحی نسبت دهد و یا آنها را از پیش خود بیاورد. مطالبی که جامع همه فضایل و باز دارنده از تمام رذایل اخلاقی بود، انسان را به فضایل ترغیب می نمود و او را از رذایل باز داشته، بشریت را از آن دور می کرد تا آنجا که قرآن کریم در اخلاق مکتبی درخشان و فلسفه ای زیربنایی و خطا به ای رسا و موعظه گرا ایجاد کرد که عالی ترین مسائل اخلاقی را عرضه داشت.

اکنون کلیاتی را از این مسائل را می توان در آیاتی مشاهده کرد که ذیلاً به چند مورد اشاره می کنیم:

۱- ان الله یأمر بالعدل و اللاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی یعظکم لعلکم تذكرون. (نحل، ۹۰)
 ۲- «عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هوناً و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً و الذین یتتبعون لرهبهم سجداً و قیاماً و الذین یقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها کان غراماً * انها ساءت مستقراً و مقاماً * الذین اذا النفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا و کان بین ذلک قواماً

قرآن پیاموزد و مردم را به دین شما دعوت کند و پیامبر(ص) «مصعب بن عمیر» را که جوان صبیح المنظر و قرآن دان بود، همراه آنان به مدینه فرستاد...».

د- تحدّی و تاثیر گذاری قرآن (اعجاز نفسی)

این ویژگی را نمی توان در قالبی از قالب های ادبی و بیانی و محتوایی گنجانند. هر چند این ویژگی به بلاغت قرآن مربوط می شود اما نکته مهم در این جا است که علت جاذبه و شیفتگی و تاثیر در دل ها و ایجاد لذت و شیرینی و تکان دادن و خشوع دلها از ناحیه لفظ یا معنا نیست بلکه از مجموع عواملی است که اثر می گذارد و به خود آیات قرآن استناد می کند:

خداوند از قول کفار نقل می کند: که به دیگران توصیه می کردند که مبدا قرآن را بشنوند که شکت می خورند: «و قال الذین کفروا لا تسمعوا لهذا القرآن و الغوا فیه لعلکم تغلبون» (فصلت، ۲۶). به همین دلیل خود قرآن درباره این ویژگی می گوید: «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل رأیته خاشعاً متصدعاً من خشیه الله. (حشر، ۲۱)

و یا درباره ی جن آمده است که شیفته قرآن شدند و گفتند: «انا سمعنا و قرأنا عجباً یتحدث الی الی الرشد خامتا به». (جن، ۱۷) یا در جایی دیگر آمده است «الله نزل احسن الحدیث کتاباً متشابهاً متانی تقشعر منه جلود الذین یخشون ربهم ثم تلین جلولاهم و قلوبهم الی ذکر الله» (زمر، ۲۳)

و نیز دربارهٔ همین ویژگی آمده است: « و اذ استمعوا ما انزل الی الرسول ترى اعیابهم نقیض من الدمع مما عرفوا من الحق » (مائده، ۸۳)

و این از دلایل معجزات پیامبر و بزرگترین نشانه رسالت است که چنین کتابی با این اوصاف نازل می‌گردد. (همان، ۷۸) به نظر می‌رسد مهمترین بحث خطابی جاذبه قرآن یا اعجاز لفظی باشد که با استناد به آیات قرآن این وجه را خاتم می‌دهد و گزارشی از مسلمانان می‌دهد که تحت تاثیر این ویژگی قرآن منقلب شده‌اند.

در موضوع اعجاز نفسی قرآن و تاثیر آن بر دل‌های اعراب نهاد در آن زمان خطابی در بحث وجوه اعجاز در این باره آورده که: « دربارهٔ اعجاز قرآن وجهی گفته‌ام که مردم از آن غافل مانده‌اند، و آن تاثیر است که در دل‌ها به جای می‌گذارد و جانها را تکان می‌دهد که هیچ سخنی غیر از آن را نمی‌شنوی چه نظم و چه نثر آن به گوش رسد، دل رخنه کند یک جا از جهت لذت و شیرینی و جای دیگر از جهت عظمت و هیبتی که دارد و هیچ سخنی را نمی‌یابی که این طور بر دل‌ها اثر کند. آنگاه وی به دو آیه از آیات قرآن که قبلاً اشاره شد را مورد استناد بحث خویش قرار می‌دهد که از ذکر مجدد آنها خودداری کردیم.

(ترجمه الاتقان، جلد ۲، سید مهدی حائری قزوینی ص ۳۸۰)

همچنین قاضی عیاض ضمن برشمردن وجوه اعجاز قرآن، اشاره ای به اعجاز نفسی قرآن می‌کند آنجا که می‌گوید: « و از وجوه دیگر اعجاز آن بی‌می‌است که به دل‌های شنوندگان آن و هیبتی است که بر وجود آنان هنگام تلاوت و شنیدن عارض می‌شود و عده ای از افراد هنگام شنیدن آیاتی از آن مسلمان شدند چنانکه جبیرین مطعم از پیامبر (ص) شنید که در نماز مغرب سوره الطور را می‌خواند و بر اثر آن اسلام آورد، وی گفته: هنگامی که آن حضرت به اینجا رسید: «ام‌الخالقون من غیر شیء أم هم‌الخالقون» آیا این خلق از نیستی صرف (بدون آفریننده) به وجود آمدند یا خویشان را خود آفریدند؟ تا «المسیطرون» نزدیک بود دلم به پرواز در آید و آن نخستین جرعه اسلام در دلم بود. (ترجمه الاتقان، سید طی، مهدی حائری قزوینی، ج ۲، ص ۳۸۳)

از طرف دیگر تعبیر «من مثله» یا همان مسئله «مثلیت» تحدی که علامه طباطبایی (ره) نیز به آن اشاره کرده است دلالت بر این دارد که قرآن تنها به ظاهر فصاحت و بلاغت معجزه نمی‌باشد بلکه در همه ابعاد دیگر قرآن می‌تواند از اعجاز برخوردار باشد مخصوصاً از جهت اعجاز محتوایی که بسیاری از محققان به این مسئله مهر تأیید زده‌اند.

مرحوم امام خمینی نیز همانطور که قبلاً اشاره کردیم به این موضوع یعنی اعجاز محتوایی تأکید زیادی داشته‌اند و معتقدند که قرآن دارای مقصد و مقصودی است که به خاطر آن نازل شده است و به خاطر تحولی که در جامعه آنروزی از نظر اخلاقی و تشریحی ایجاد کرد بیشتر وجه اعجاز آن مشهود است.

تحدی و حدود آن

در بحث تحدی و دامنهٔ آن لازم است که مطالبی گفته شود. از آنجایی که با توجه به آیات تحدی و تعبیری که در متن این آیات بکار رفته است می‌توان دامنه تحدی را گسترش داد و اشمال آن را بر همه انسانها و اجنه دانست و این که برخی گفته‌اند تحدی مختص به قوم عرب بوده است این سخن بی‌موردی است به عبارتی آنهایی که برای تحدی محدودیت‌هایی قائل شده‌اند چه از نظر موضوعیت آن و چه از نظر خطاب بودن آن و چه از نظر زمان شمول بودن آن در این خصوص دچار اشتباه و انحراف شده‌اند. محدودیت‌های تحدی را می‌توان در سه قسم خلاصه کرد:

الف) محدودیت موضوعی تحدی

برخی گفته‌اند که اعجاز قرآن و مفهوم آیات تحدی فقط به خاطر فصاحت و بلاغت قرآن می‌باشد و از این جهت است که از معاندان خواسته است که همانند قرآن را بیاورند در صورتی که با بررسی تعبیری که در خود آیات قرآن وجود دارد و نیز بررسی محیطی و جغرافیایی شبه جزیره عربستان و تحولاتی که قرآن از ناحیه اخلاق در آنها ایجاد کرد دیگر نمی‌توان این نظر را یعنی محدودیت قرآن در فصاحت و بلاغت را پذیرفت بلکه قضیه تحدی از این حیث قابل تسری به وجوه دیگر اعجاز می‌باشد که مسئله زمان، این قضیه را بیشتر نمایان می‌کند.

معنی و مفهوم « مثلثیت » در تحدّی

مسئله « مثلثیت » در آیات تحدّی مفهوم فرا موضوعی و محتوایی بودن تحدّی را اثبات می کند. مرحوم علامه طباطبائی (ره) در این باره فرموده اند: این « مثلثیت » می تواند آهنگ اثرگذار آیات و قرآن را در گذرگاه تاریخ نشان دهد و ابعاد دیگر وجوه اعجاز را مطرح کند.

تا قرن پنجم اوج تبیین عالمان از جریان مانند پذیری قرآن بحث فصاحت و بلاغت بود و بعدها مسایل دیگری به آن اضافه می شود یکی از موارد وجوهی اعجاز قرآن که مسئله « مثلثیت » را نیز غالباً به خود اختصاص داده، همین اعجاز محتوایی می باشد.

ب) محدودیت در زمان

برخی گفته اند که قرآن کریم اگر تحدّی کرده است و از دیگران هموردی طلبیده است چیزی بوده است که مختص به آن زمان بوده و چون اعراب از فصاحت و بلاغت سرشاری برخوردار بوده اند پس تحدّی نیز مربوط به آن زمان بوده است و قابلیت تسری به زمانهای دیگر را ندارد. در صورتی که با بررسی بیشتری که می توان در قرآن کریم و تعبیر تحدّی انجام داده ایم مخصوصاً تعبیر « و ان تفعلوا » که صریحاً دلالت بر زمان مشمول بودن تحدّی می کند چون عبارت « لن » هم دلالت بر آینده دارد و هم نفی مطلق را می رساند که خود نوعی نکته بلاغی را می رساند. پس با این وجود تحدّی مسئله ای فرا زمانی بوده و مختص به یک زمان خاص نمی باشد.

ج) محدودیت خطابی و مسأله تحدّی

شبهه دیگری که در بحث دامنه تحدّی و محدودیت آن قابل ذکر و لازم به بیان است این است که برخی دیگر چون معجزه بودن قرآن را منوط و مختص به فصاحت و بلاغت قرآن دانسته اند و نیز از این مسئله برداشت کرده اند که تحدّی هم نیز شامل همین مورد بوده پس طرف خطاب این آیات مشرکین مکه بوده است و نیز اعراب معاندی که همواره کار شکنی هایی در سر راه دعوت پیامبر مرتکب می شدند.

در پاسخ به این شبهه نیز لازم است که گفته شود اولاً در قرآن کریم آیاتی را سراغ داریم که بیانگر خاتمیت و جامعیت این دین اسلام است و کتاب الهی قرآن می باشد از جمله تعبیری چون « رحمه للعالمین » و « کافه للناس » که مشرف بر جهان شمول بودن آیات قرآن و آیات تحدّی می باشد.

از طرف دیگر عبارت « اجتمعت الانس و الجن ... » بیانگر مشمولیت آیات تحدّی بوده است و نه تنها شامل انسانها بوده بلکه اجنه را نیز در برمی گیرد پس نمی تواند مختص به یک قوم خاص بوده باشد. از این آیه به خوبی استفاده می شود که ابعاد اعجاز قرآن اختصاص به فصاحت و بلاغت و زبان خاص آن که زبان عربی است ندارد و از جهات مختلف مطرح است و گرنه دعوت به مقابله غیر عرب با یک کتاب عربی بی تناسب است.

تحدّی و کاربردهای آن

الف) تحدّی دلیل بر اعجاز قرآن کریم

ب) تحدّی دلیل بر عدم تحریف در قرآن کریم

الف) تحدّی دلیل اعجاز قرآن کریم است.

آیات تحدّی در درجه اول بیانگر این هستند که اولاً قرآن کریم معجزه جاودان پیامبر اکرم (ص) بوده ثانیاً حقانیت و الهی بودن خویش را حتی برای کسانی که کتابها و پیامبران آسمانی را گذشته را نمی پذیرند، اثبات می کند.

تحدّی را در این مورد به سه دسته تقسیم کرد: ۱- تحدّی به متن قرآن ۲- تحدّی به امی بودن پیامبر (ص) ۳- تحدّی به عدم اختلاف و هماهنگی آیات قرآن.

۱- تحدّی به متن قرآن

در این رابطه آیات تحدّی قرآن را قبلاً اشاره کرده و مطالبی زیاد گفته شده است که نیاز به تکرار آن مطالب نیست اما نکته قابل ذکر در این جا اینکه می توان گفت یکی از جهات اعجاز مورد نظر این آیات، اعجاز لفظی از جهت فصاحت و بلاغت

است. فصاحت معنای شیوایی کلمات و روانی تلفظ آن و گوش نواز بودن سخن است و بلاغت به معنای رسایی در دقت تعبیر در فهماندن مقصود.

۲- تحدی به امی بودن پیامبر (ص)

دسته دوم از آیات تحدی با تکیه بر ویژگی های پیامبر، به هموردی با ناباوران شکاک می رود و از آنان می خواهد از بشری مانند او که درس نا خوانده و خط نانوشته است قرآنی این چنین بیاورد: «وما كنت تتلوا من قبله من كتاب ولا تحفظه بيمينك اذالارتاب المبطلون» (عنکبوت، ۴۸)

در آیه بعد می فرماید: « قل لو شاء الله ما تلوته عليكم و لا ادراکم به فقد لبثت فيکم عمراً من قبله أفلا تعقلون » (یونس، ۱۶) « بگو اگر خداوند می خواست قرآن را بر شما تلاوت نمی کردم و او شما را از آن آگاه نمی ساخت من مدتی (طولانی) در میان شما بودم پیش از این ، آیا خرد خویش را بکار نمی گیرید.

از آیه ۴۸ سوره عنکبوت معلوم می شود اعجاز قرآن با توجه به درس ناخوانده بودن پیامبر (ص) حتی برای یاهو گویان نیز زمینه تردید باقی نمی گذارد. در آیه ۱۶ سوره یونس هر چند صریحاً از اعجاز سخن به میان نیامده است ولی اشاره دارد که پیامبر این معارف را پیش از این، در اختیار نداشته است و زندگی طولانی او پیش از بعثت نیز گواه این مدعاست یعنی با شناختی که مخاطبان قرآن از پیامبر دارند، اگر درباره او و این کتاب بیندیشند خواهند دریافت که فراهم ساختن چنین کتابی از چنین کسی بدون امداد الهی ناممکن است.

۳- تحدی به عدم اختلاف و هماهنگی آیات

در میان آیات تحدی در آیه ۹ سوره نساء چنین استدلال شده که اگر در قرآن موجود اختلافی نیست پس حتماً این کتاب از سوی خداست «افلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» . چنانکه اشاره شد سخن بر سر این نیست که بشر هر کتابی بنویسد، اختلاف فراوان در آن یافت می شود، سخن بر سر آن است که اگر کتابی با ویژگی های قرآنی به دست بشر فراهم می آمد، موارد اختلاف فراوانی در آن یافت می شود، سخن بر سر آن است که اگر کتابی با ویژگی های قرآنی به دست بشر فراهم می آمد، موارد اختلاف فراوانی در آن مشاهده می شد.

ب) تحدی دلیل بر عدم تحریف قرآن کریم

یکی از دلایلی که قرآن پژوهان بر مصونیت قرآن از تحریف به آن استناد کرده اند آیات تحدی است. از میان سه دسته آیات تحدی یاد شده در مبحث پیش آیتانی که بر عجز بشر در آوردن حتی یک سوره مانند قرآن دلالت دارند احتمال تحریف و تغییر را نیز از ساحت قرآن نفی می کنند. در این آیات به آوردن یک سوره مانند سوره های قرآن و یا آوردن حدیثی مانند قرآن، تحدی شده است، معلوم است که با امکان تحریف و تغییر در قرآن ، تحدی قرآن بر عجز بشر معنی نخواهد داشت زیرا با پذیرفتن امکان تحدی در قرآن کریم مسأله عدم تحریف در قرآن نیز منتفی می شود.

برآیند تحقیق

۱- یکی از وجوه افتراق بین اعجاز و تحدی این است که در تحدی چون با نوعی مبارزه طلبی همراه است و غالباً افرادی که در قرآن از آنها تحدی کرده است اکثراً مشرک و کافر و منکر بوده در نتیجه تحدی بیانگر نوعی حالت خصمانه می باشد و شاید به همین خاطر باشد که آیات تحدی غالباً در سوره های مکی واقع شده است اما در اعجاز این حالت عناد و مبارزه طلبی وجود ندارد.

۲- در آغاز بعثت تحدی قرآن بر محور فصاحت و بلاغت آن بوده است اما بعدها و با ادامه نزول قرآن کم کم وجوه دیگری از اعجاز قرآن نیز مشهود می شود، مخصوصاً اعجاز محتوایی، تشریحی قرآن. البته برخی پا را فراتر نهاده و گفته اند اعجاز اصل قرآن اعجاز محتوایی است از جمله این افراد شیخ مجتبی قزوینی را می توان نام برد که معتقد است برای بررسی معجزه بودن

قرآن باید به خود قرآن مراجعه کرد و باید ببینیم که قرآن خودش را چگونه معرفی کرده است. «آفتاب آمد دلیل آفتاب» وی می گوید که جنبه های محتوایی و معارفی قرآن بیشتر نمایان است از نظر اعجاز تا فصاحت و بلاغت همانطور که تعبیر بلندی در قرآن و برخی آیات می توان سراغ گرفت از جمله، تعبیر قرآن به تیبناً لکل شیء. قرآن حکمت است، قرآن برهان است، بصائر است، شفا و رحمت است، نور است و

۳- امام خمینی اعتقاد به اعجاز محتوایی قرآن دارند. ایشان در کتاب «آداب الصلوه» می نویسد: اصلاً مسئله اعجاز را به فصاحت و بلاغت محدود کردن نیز بیراهه رفتن است.

ایشان در جایی دیگر فرموده اند: ما نمی گوئیم فصاحت و بلاغت معجزه نیست اما می گوئیم که این مسأله در مقایسه با محتوا و معانی قابل مقایسه نیست. باید اساس شناساندن قرآن به لحاظ محتوایی و ذکر پیام ها و بر جسته کردن معارف باشد حتی استدلال بر سندیت این کتاب در این محور قرار می گیرد، مقصد و مقصود این کتاب آسمانی که انسان سازی و تربیت جامعه معقول است تحت الشعاع مباحث ادبی و کلاسیک قرار بگیرد.

۴- مسئله «مثلیت» در آیات تحدی، مفهوم فرا موضوعی بودن تحدی را به اثبات می رساند همانطور که مرحوم علامه طباطبائی در این باره فرموده اند: این «مثلیت» می تواند آهنگ اثر گذار آیات و قرآن را در گذرگاه تاریخ نشان بدهد و ابعاد دیگر وجوه اعجاز را مطرح کند. و همانطور که در بحث محدودیت های تحدی گفته شد، تحدی قرآن مختص یک زمان و یک دوره و یک گروه مشخص و یک موضوع مشخص نیست بلکه مسئله ای فرا موضوعی، فرا جناحی و فرا زمانی می باشد. تا قرن پنجم اوج تبیین عالمان از جریان مانند پذیری قرآن، بحث فصاحت و بلاغت است و بعد مسایل دیگر به آن اضافه می شود.

۵- با بهره گیری از آیات تحدی و تدقق در عبارات آنها می توان برخی نتیجه های دیگر را نیز اضافه بر مطالب قبل بدست آورد از جمله تعبیری چون «مفتریات» «من دون الله» «انما انزل بعلم الله» و «بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه». و نیز عبارت «و لَمَّا یَأْتِیْهِمْ تَأْوِیْلُهُ» که در آیات مورد بحث تحدی مطرح شده و هر کدام از این تعبیر گویای یک واقعیتی می باشند که به نظر حقیر می توان از این تعبیر نتایج خوبی بدست آورد که ذیلاً اشاره می کنیم:

اولاً اینکه آنهایی که به دروغ و افترا متهم کرده بودند پیامبر را و نیز به ساحت مقدس قرآن اهانت کرده اند غالباً کفار مکه بوده اند که گرفتار شک و شبهه بوده اند و این شبهات آنها یا در اثر جهالت و نادانی آنها بوده است یا در اثر تعصب شدید و حمیت جاهلیت آنها که در اثر دشمنی سرسختی آنها بوده است.

ثانیاً: عبارت «من دون الله» این افترا ها را به خود آنها بر می گرداند و این نوعی احتجاج قرآنی محسوب می شود به این معنی که چون آنها این قرآن را به دروغ به پیامبر نسبت می دادند، در نتیجه آنرا غیر الهی می دانستند، در اینجا اشاره شده که اگر شمار است می گوئید که اینها غیر الهی هستند پس شما، هم اگر راست می گوئید مانند آنرا بیاورید تا این ادعای شما در این باره ثابت شود و این در حالی است که به تعبیر قرآن نمی توانند و هرگز نخواهند توانست.

ثالثاً: عبارت «انما انزل بعلم الله» نیز تأیید دیگری بر انتساب این قرآن بر خداوند و دلیل بر الهی بودن این کتاب شریف می باشد و نیز ردی بر گفته های معاندان و مشرکان و کافران ملحد و از خدا بی خبر.

رابعاً: تعبیر «بل کذبوا بمالم یحیطوا بعلمه» تداعی یک ضرب المثل معروف است که می گوید: «آدمی دشمنی چیزی است که نمی داند». به عبارتی آنهایی که به دروغ به پیامبر تهمت هایی را وارد می کردند، منشأ این اتهام آنها طبق تعبیر شریف قرآن عدم آگاهی آنها از محتوای بلند قرآن و پی نبردن به اسرار الهی این کتاب آسمانی باشد و نیز عدم آگاهی به وجود متعدد اعجاز قرآن و به قول معروف: چون حقیقت ندیدند ره افسانه زدند.

خامساً: تعبیر «و لَمَّا یَأْتِیْهِمْ تَأْوِیْلُهُ» نیز در نوع خود جالب و تأیید عبارت قبلی «بل کذبوا بمالم یحیطوا بعلمه» می باشد. عبارت مورد نظر اشاره به یکی دیگر از منشاهای اشتباهات این کفار و افترا زندگان به ساحت مقدس قرآن و پیامبر را می کند. همانطور که در بحث قبلی ذکر شد.

که چون آنها نمی توانستند به مفهوم واقعی و کنه واقعی قرآن دست یابند. در نتیجه مرتکب این تهمت ها شدند و از طرفی طبق این تعبیر قرآن چون آنها تأویل و حقیقت و باطل قرآن و آیات نمی توانستند است یابند در نتیجه این بهتان های ناروا وارد کردند.

۶- قرآن کریم از طرفی عرب متعصب و غیرتی را به شدیدترین و تکان دهنده ترین بیان تحدی کرده است آنگونه که آنها در پاسخ به این آیات راهی جز خضوع و تسلیم شدن و نیز جهت تسکین حمیت و غیرت خود نتوانستند کاری صورت دهند مگر اینکه از دعوت قرآن شانه خالی کردن و اظهار عجز بیشتر نمودن و جز گریختن و خود پنهان کردن و لباس خود را بر سر افکندن کاری از دست آنها بیشتر برنیامد همانطور که در این آیه شریفه به این موارد اشاره دارد: «إلا أنهم يثنون صدورهم ليستخفوا منه إلا حين يستغشون ثيابهم يعلم ما يسرون و ما يعلنون». (هود، ۵). «متوجه باشید که ایشان شانه خالی می کنند تا آرام آرام خود را بیرون کشند و پنهان کنند، باید بدانند که در همان حالی که لباس خود را بر سر می افکنند، که کسی ایشان را شناسد خدا می داند که چه اظهار می کنند و چه پنهان می دارند»

منابع

- ۱- قرآن کریم، تفسیره و بیان، دکتر محمد حسن الحمصی، موسسه الایمان بیروت، دار الرشید. دمشق
- ۲- ابوالفتوح رازی، ملا محسن فیض کاشانی، شیخ محمد جواد بلاغی، هفده گفتار در علوم قرآنی، ترجمه سید حسین حسینی، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۰.
- ۳- ایازی محمد علی، اعجاز قرآن، تهران پاییز ۸۲-۳.
- ۴- جرجانی عبدالقاهر، دلایل الاعجاز فی القرآن، ترجمه دکتر سید محمد رادمنش، مشهد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۸.
- ۵- جوادی آملی، - تفسیر موضوعی قرآن کریم، وحی و نبوت در قرآن، انتشارات اسراء، چاپخانه اسوه، جلد ۳، مهر ۱۳۸۱
- ۶- خوبی، ابوالقاسم، البیان، ترجمه محمد صادق نجمی، هاشم زاده هریسی، جلد اول، بحث شناخت معجزه، انتشارات دانشگاه آزاد واحد خوی، چاپ ۱۳۷۵.
- ۷- سمیعی محمد، در سایه سار وحی، بررسی اعجاز قرآن از طریق تحدی (مجموعه گفته های استاد ایازی در خصوص اعجاز و تحدی) بهار ۸۴.
- ۸- سیوطی عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، جلد ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶
- ۹- سعیدی روشن محمد باقر، علوم قرآنی، قم، انتشارات موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، چاپ اول، تابستان ۷۱.
- ۱۰- معرفت محمد هادی، علوم قرآنی " خلاصه التمهید "، قم، انتشارات ذوی القربی، چاپ بهار ۱۳۷۸